

## عباس زریاب خویی

### نیم قرن نسخه شناسی، تالیف و تحقیق

عبدالله اصفهانی

#### تولد و تحصیلات

عباس زریاب در ۲۰ مرداد ۱۲۹۸ ش مطابق ۱۵ ذی قعدة ۱۳۳۷ ق در شهرستان خوی دیده به جهان گشود. در خانواده اش فردی نبود که با سواد باشد، اما مادرش از طریق مکتبخانه های محلی با قرآن و تلاوت آن مأنوس گردید و تصمیم گرفت کودکش را به بانوی پاک طینتی بسپارد که ملاً کبری نام داشت و معلم قرآن محله بود. عباس به مدت دو سال قرآن را با آداب ویژه تلاوت آن از وی فرا گرفت. در این حال شش ساله بود.

دبستان و دوره اول دبیرستان را نیز در زادگاه خود سپری کرد، زیرا دوره دوم متوسطه در خوی وجود نداشت. افرادی که امکانات رفاهی در خور توجهی داشتند فرزندان خویش را برای ادامه تحصیل به تبریز یا ارومیه می فرستادند. پدر عباس نه این امکانات را در اختیار داشت و نه موافق چنین برنامه ای بود. ناگزیر این نوجوان مشتاق دانش در خوی ماند.<sup>۱</sup>

عباس که از تحصیلات در مراکز آموزشی جدید محروم گردیده بود در مجالس درس و بحث مدرّسان علوم دینی و وطن خویش حاضر می گردید و از محضر آنان خوشه چینی می نمود. او حاشیه ملا عبدالله در منطق و بخشی از معالم در علم اصول و کتاب مطوّل تفتازانی را نزد مرحوم شیخ عبدالحسین اعلمی معروف به مناقب آموخت و شرح جامی را که در نحو است پیش حسن فقیه با موفقیت خواند. در سال ۱۳۱۶ به تشویق طلبه ای فاضل که صادق فراحی نام داشت به قم عزیمت نمود و در

مدرسه ناصری این شهر حجره ای انتخاب کرد و در آن جا اقامت گزید. نخستین استادش در قم شیخ صادق فراحی بود که بخشی از شرح لمعه را از او آموخت. سپس با مطالعات مستمر و بی وقفه خود را برای حضور در درس استادان درجه اول سطوح عالی مهیا ساخت و رسائل را نزد آیت الله سید محمد محقق داماد، شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری و بخشی از اسفار را از امام خمینی، کفایه را از سید احمد خسرو شاهی و مکاسب را از شیخ محمد علی کرمانی فرا گرفت. آیت الله سید صدرالدین صدر و آیت الله مرعشی نجفی نیز از استادان او هستند و نزد این بزرگان و سید محمد حجت کوه کمری درس خارج را پی گرفته است که در سال ۱۳۲۲ ش به دنبال دریافت خبر کسالت پدر به خوی بازگشت.<sup>۲</sup>

وی تا دو سال در خوی به تدریس پرداخت و در دانشکده معقول و منقول تهران تحصیلات دانشگاهی خود را پی گرفت. هوش و استعداد خارق العاده اش موجبات اعزام او را به آلمان در سال ۱۳۳۴ ش فراهم ساخت و با استفاده از بورس مطالعاتی مؤسسه هومبولت که از مهمترین بنیادهای علمی-فرهنگی آلمان

۱. مجله تحقیقات اسلامی، سال دهم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۴، ص ۱۹.

۲. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (مقاله مجدالدین کرمانی)، سال دوم، شماره ۶ و ۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۳-بهار ۱۳۷۴، ص ۱۰ و ۹، علی رفیعی، شهاب شریعت، ص ۲۰۶؛ فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، سال سوم، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۲۱۴.

داشت. مسافرت به اروپا و آمریکا غیر از این که نیل به مطالعه کتاب‌ها و مطبوعات نادر و نفیس را برایش فراهم کرد، چشم و گوش وی را به مسائل عصر و افکار و آرای رایج در دنیای دانش و اندیشه باز نمود.<sup>۷</sup>

پس از معلمی در دبیرستان‌های خوی، در غائله آذربایجان به تهران رفت و در کتابخانه مجلس به فهرست‌نگاری آثار مخطوط روی آورد و تبحری که در نسخه‌شناسی، شناخت آثار نفیس و نادر از خود نشان داد تحسین اهل فن را برانگیخت. زریاب قبل از عزیمت به اروپا محقق‌ی تمام‌عیار به شمار می‌رفت و در تاریخ، فلسفه و ادبیات علاوه بر جنبه‌های کتاب‌شناسی و اشراف فوق‌العاده به منابع این رشته‌ها استادی برجسته و صاحب‌نظر به حساب می‌آمد و در همین حال با کتابداری و شناخت منابع و مآخذ و خصوص نسخه‌های ارزشمند خطی با پژوهش‌های اسلامی و ایران‌شناسی‌اش قابل ملاحظه پیدا کرد. یادآور می‌شود در ایامی که تازه به تهران آمده بود مرحوم سید محمدصادق طباطبایی به راهنمایی یکی از روحانیان به مهارت‌های وی پی‌برد و زریاب را در ابتدا در کتابخانه خود گماشت و سپس فهرست‌نگاری برای کتابخانه مجلس را به او سپرد.<sup>۸</sup> عباس اقبال از او به کتابدار فاضل کتابخانه دارالشورای ملی یاد می‌کند.

#### مسئولیت‌های پژوهشی و علمی

زریاب خوبی علاوه بر تدریس در آموزش و پرورش و دانشگاه وظایفی را در عرصه‌های علمی و تحقیقی پذیرفت، از جمله آنها ریاست گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران می‌باشد و پس از آن که کتابخانه مجلس را سر و سامان داد و راه‌اندازی کرد به دعوت والتر هنینگ، ایران‌شناس سرشناس، در سال ۱۳۴۱ به آمریکا رفت تا در دانشگاه کالیفرنیا شعبه برکلی، زبان و ادبیات فارسی تدریس کند و با آن که هنینگ از وی خواست برای همیشه در برکلی بماند زریاب قبول نکرد و بعد از دو سال به ایران آمد و حیات علمی و تحقیقی در سرزمین خود را به امتیازات مادی و علمی و اجتماعی و اقامت در آمریکا ترجیح داد.<sup>۹</sup>

۳. عبدالحسین زرین‌کوب، حکایت همچنان باقی، ص ۲۹۱.

۴. باستانی‌پاریزی، پیرسبزشان، ص ۵۴.

۵. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ص ۹.

۶. مجله تحقیقات اسلامی، ص ۶.

۷. حکایت همچنان باقی، ص ۲۹۰.

۸. دنیای سخن، شماره ۶۳، ص ۵۷ (مقاله محمدعلی موحد).

۹. حکایت همچنان باقی، ص ۲۹۰؛ فصلنامه فرهنگ و تاریخ معاصر، ص ۲۲۲.

است به مدت پنج سال در دانشگاه‌های فرانکفورت، ماینتس و مونیخ به مطالعه و تحقیق در رشته‌های تاریخ، علوم، معارف اسلامی، فلسفه و فرهنگ تطبیقی پرداخت.<sup>۳</sup>

#### از کتابخوانی تا کتاب‌شناسی

زریاب از وقتی که می‌توانست بخواند و بنویسد با شوقی وافر به مطالعه روی آورد و اندک پول تو جیبی را که پدرش به وی می‌داد صرف‌کرایه نمودن کتاب از کتابفروشی خرده‌پای محل می‌نمود.<sup>۴</sup> به هر کتابی دسترسی پیدا می‌کرد از آثار دینی و حکایت‌های مذهبی تا مختارنامه، حمله حیدری، مسیب‌نامه تا کتاب‌هایی چون کلیله و دمنه، انوار سهیلی، فرج بعد از شدت یا می‌خرید یا به عاریت می‌گرفت و می‌خواند.

در خوی کتابی نبود که در همان سال‌های نوجوانی نخوانده باشد و آنچه مطالعه می‌کرد به آثار فارسی بسنده نمی‌گشت، کتاب‌های ترکی آذری را با و لگی تمام می‌خواند.<sup>۵</sup>

دوازده سال داشت که آثاری چون ذاسخ التواریخ و منتظم ذاصری و نیز کتاب‌های درسی آن زمان نظیر تاریخ و جغرافیای عباس اقبال آشتیانی، شرح احوال رودکی از سعید نفیسی و کتاب سخن و سخنوران فروزانفر را با دقت مطالعه کرد و مندرجات آنها را در حافظه قوی خود جای داد.

در سنین جوانی و همزمان با تحصیلات حوزوی در زمینه‌های علوم اجتماعی، روان‌شناسی، ریاضیات و ادبیات به مطالعات جدی و عمیق پرداخت، در این ایام جمهورییت افلاطون، الابطال کارلایل، اصول الشرایع بتنام، کتاب‌های گوستاو لوبون، اصل الانواع داروین، چند کتاب در تاریخ و فلسفه جدید، آثار شیخ محمد عبده و شاگردش محمد رشیدرضا را خواند و با مختصر آشنایی‌ای که به زبان فرانسوی داشت و به کمک فرهنگ لغت برخی از متون درسی به این زبان را از نظر خویش گذرانید.<sup>۶</sup> وقتی به تهران مهاجرت نمود با تسلط بر زبان و ادبیات عرب، آثار دکتر طه حسین، احمد امین، عباس محمود و عقاد و توفیق الحکیم را به زبان اصلی خواند و در محیط تب‌آلود و پرهیجان سال‌های جنگ و بحران تقریباً تمام یا اکثر مجلات عصر را با تمام آنچه در زمینه شعر، قصه، نقد، تاریخ و... انتشار می‌یافت با شوقی زایدالوصف می‌خواند و در باب مطالب بسیاری از آنها با دوستان مباحثه و احیاناً مناقشات ظریف مطرح می‌کرد.

این اشتیاق به مطالعه در علوم گوناگون و جدّ بسیار در حفظ ارتباط با مسائل جاری فکری و فرهنگی بین‌المللی تقریباً تا اواخر عمرش ادامه یافت و در واپسین لحظات زندگی‌اش از مندرجات مطبوعات معروف جهان آگاهی درست و سنجیده‌ای

عباس اقبال از وی دعوت نمود تا در تهیه فهارس کتاب شد الاّزار به تصحیح علامه محمد قزوینی، این محقق رایاری کند که او هم پذیرفت، وی در مقدمه این اثر می نویسد:

اگرچه متن کتاب در بهار ۱۳۲۶ ش و حواشی آن در بهار ۱۳۲۷ ش به پایان رسید، لیکن تصحیح نمونه های چاپی به علت مرض آن مرحوم (علامه قزوینی) به طول انجامید تا آن که چند ماه قبل از وفات استاد بزرگوارمان بالاخره پایان پذیرفت و علی الظاهر مانعی برای انتشار آن نماند جز تهیه فهارسی برای آن و این کار عظیم خطیر نه دیگر از عهده آن مرحوم که بر بستر بیماری ضعیف و ناتوان افتاده بودند، ممکن بود نه برای نگارنده که گرفتاری های متعدد داشتم و با این که به این امر اقدام کردم ناچار به همان علت اشتغال به کارهای دیگر نتوانستم آن را به انتها برسانم. عنایت مخصوص و همت توانای آقای عباس خوبی این مشکلی را از پیش پای ما برداشت و به لطف ایشان این کار هم به انجام رسید و کسانی که بعدها از کتاب شد الاّزار فایده برمی دارند البته قدر زحمات آقای خوبی را درمی یابند. نگارنده در این جا مراتب تشکرات صمیمانه خود را از این که این زحمت را قبول و به انجام مقرون کرده اند خدمت ایشان تقدیم می دارم.<sup>۱۰</sup>

قبل از عزیمت به آلمان به مشسارکت در طرح ترجمه دائرةالمعارف اسلام دعوت گردید و تنظیم و تدوین مقالاتی را که آقایان عباس اقبال، سعید نفیسی، دکتر معین، پرویز ناتل خانلری، غلامحسین صدیقی، زرین کوب و خودش ترجمه می کردند، عهده دار گشت. هر چند طرح مذکور به دلیل کارشکنی رژیم پهلوی متوقف گردید اما به زریاب این فرصت را داد تا در کار دائرةالمعارف نویسی مهارت های لازم را تجربه نماید و او این توانایی را بعدها در همکاری با دائرةالمعارف فارسی زیر نظر دکتر غلامحسین مصاحب و دانشنامه ایران و اسلام ادامه داد تا به همکاری با ایراتیکا و دائرةالمعارف های جدید کشید.

هنگامی که دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بنیان نهاده شد، دست اندرکاران، دست نیاز به سوی وی دراز کردند، زیرا باید مقالاتی تدوین می گردید که تنها از عهده زریاب برمی آمد و او هم قبول کرد و همکاری خود را با این مجموعه تا زمان مرگ ادامه داد. دکتر مصاحب نیز مقام علمی و قدرت تحقیقاتی او را کشف کرد تا آن که بیش از یکصد مقاله از مهمترین مدخل های دائرةالمعارف فارسی را که غالباً در مباحث اسلامی، سیره معصومین و تاریخ تشیع می باشد تألیف نمود که شصت فقره از آنها در کتابی جداگانه به طبع رسیده است. وقتی از زریاب

استدعا کردند تا با دائرةالمعارف نو بنیاد تشیع همکاری نماید خوش رویانه پذیرفت و در ظرف مدت پنج سال متجاوز از پنجاه مقاله ارجمند و اساسی از جمله زندگی نامه دوازده امام یعنی همه در یک جا و نیز هر کدام را به طور جداگانه با ژرف کاوی علمی، تاریخی و ادبی نگاشت که با ویراستاری شادروان دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی در مجلد اول و دوم این دائرةالمعارف چاپ شد و قرار است با افزایش سیره حضرت رسول اکرم (ص) و زندگانی حضرت زهرا (س) در کتابی مستقل به زیور طبع آراسته گردد.

هنگامی که به خواست مجتبی مینوی «بنیاد شاهنامه فردوسی» تأسیس گردید و مقرر گشت شاهنامه بر اساس نسخ خطی معتبر قدیمی زیر نظر آن محقق عالیقدر تصحیح و منتشر شود از زریاب خواسته شد که در این تلاش علمی و ادبی مشاور علمی محقق چون مینوی باشد. البته زریاب قبلاً شاهنامه را به دقت خوانده و در حل مشکلاتش صاحب نظر بود و دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر علی رواقی و دکتر احمد تفضلی هم در زمره مشاوران مینوی بودند. مینوی در کار تحقیق و مقابله نسخه ها و ارزیابی اعتبار مخطوطات شاهنامه بسیار دقیق، سخت گیر و جدی بود و کوچک ترین خطایی را در این راستا بر نزدیک ترین عزیزان خود نمی بخشود و برای رسیدن به حقیقت به بحث و جدال می پرداخت و تا قانع نمی شد هیچ سخنی را از هیچ کس نمی پذیرفت. در این حال ظرافت طبع زریاب به همراه لطفه گویی وی لبخند رضایت بخشی بر لبان مینوی می نشانید و چهره گرفته اش را می شکفت.<sup>۱۱</sup>

تقریباً تمامی فعالیت های اجتماعی، اداری و فرهنگی زریاب به نحوی با زمینه علم و تحقیق ارتباط داشت، از آن جمله همکاری وی در تأسیس مجله فرهنگ ایران زمین، شرکت در راه اندازی انجمن دوستداران کتاب، سرپرستی بخش تاریخ در اطلس جغرافیایی ایران که در تجدیدنظر آن هم این سرپرستی تداوم داشت.<sup>۱۲</sup> زریاب عضو انجمن بین المللی شرق شناسان آلمان و عضو مجمع بین المللی کتبه های ایرانی در انگلستان بود و در ایران نیز عضویت در انجمن فلسفه و هیأت امنای بنیاد فرهنگ و نیز عضویت در فرهنگستان تاریخ را پذیرا گردید.<sup>۱۳</sup>

۱۰. معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی، شد الاّزار فی خط الاوزار عن زور المزار، به تصحیح و تحشیه علامه قزوینی، عباس اقبال، مقدمه عباس اقبال.

۱۱. مجله ایران شناسی، سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴ (مقاله دکتر احمد تفضلی).

۱۲. خاموشی دریا، مقاله زرین کوب درباره زریاب خوبی (ر. ک: حکایت همچنان باقی، ص ۳۰۱).

۱۳. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۵۹۶، ۱۰ مهر ماه ۱۳۸۱

او می پرسیدی تا از وسعت دانش و ژرفای بینش او بهره ور و باخبر شوی :

هزار نقد به بازار کاینات آرند

یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

وی اضافه می کند سال ها قبل همراه با کامران فانی و معصومی همدانی بخشی از شفای بوعلی سینا را نزدش آموختیم و توشه ها و نکته ها اندوختیم که امروز شراره های آن خاطرات بر جگرمان داغ می نهد :

دی گفت طیب از سر حسرت چو مرادید

هیئات که درد تو ز قانون شفا رفت<sup>۱۷</sup>

مرحوم دکتر نورالله کسایی - استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران - یادآور شده است :

احاطه زریاب به علوم عقلی و نقلی از فنون ادب تا تاریخ و جغرافیا، علوم قرآنی، تفسیر، سنت نبوی، سیره ائمه هدی (ع)، کلام، فلسفه، فقه، ادیان، مذاهب، لغت، معانی، بیان و غور و تفحص در معضلات نظم و نثر چندان چشم گیر بود که برای بازیابی شخصیتی نظیر او باید به هزاره قبل بازگشت و درایتش را در بلندای فرزندان و ادیبان قرون چهارم و پنجم هجری در طراز ابوالفرج اصفهانی، ابن عمید، خوارزمی، بدیع الزمان همدانی، مسکویه رازی و ... جستجو کردید. زریاب از معدود دانش آموختگان عصر ما بود که از مزایای مطلوب آموزش های حوزه ای و دانشگاهی با تکیه بر استعداد فطری در حد کمال بهره گرفته بود. در بسیاری از گردهمایی ها، نشست های علمی و ادبی و مجامع ایرانی شناسی حضوری فعال و چهره ای درخشان داشت و با حدت ذهن و قدرت حافظه اعجاب برانگیزش اندوخته های علمی و نتایج فکری را با بیانی شیوا و ظرافتی که از خصایص بارز او بود فروتنانه بیان می کرد.<sup>۱۸</sup>

#### ویژگی های شخصیتی و اخلاقی

عباس زریاب در زمره نادره افرادی است که علم و فضیلت را در وجود خویش به طور توأم شکوفا ساخت. انسانی بود با اندامی

۱۴. مجله دانشکده ادبیات، ص ۱۱.

۱۵. فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، ص ۲۱۸ (علی اصغر محمدخانی، آن زرناب).

۱۶. باستانی پاریزی، نون چودوغ گو، ص ۴۹۲ و ۴۹۳.

۱۷. فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، ص ۲۲۳.

۱۸. مجله تحقیقات اسلامی، ص ۶۹ و ۷۰.

زریاب در بسیاری از زمینه های علمی و ادبی صاحب نظر و دارای مهارت بود. نگاهی به آثار پر معنا و سنجیده اش در حکمت و کلام، تاریخ و ادبیات، نسخه شناسی و خط شناسی و تبحرش در زبان های عربی، آلمانی، انگلیسی شاهدهی بر این ادعاست.

«هنینگ» به «دو مناش» که ایران شناس فرانسوی بود نوشت دانشمندی را برای تدریس به من معرفی کرده اند که همانند مینوی است. هنینگ دانشور سخت گیری بود و به دست آوردن پسند خاطرش کساری پس دشوار به نظر می رسید؛ زیرا از نبوغ فوق العاده ای برخوردار بود و از دیگر همکارانش چنین انتظاری داشت که اجابت آن صعب به نظر می رسید، با این وجود توانایی فکری و احاطه علمی بی نظیر زریاب و سازگاری، بردباری و فروتنی او، هنینگ را شیفته اش کرد تا آن جا که از وی خواست در برکلی بماند و همکاری با وی را ادامه دهد که زریاب قبول نکرد.<sup>۱۴</sup>

در واقع هنینگ مفتون وسعت علم، حافظه کم نظیر، محضر گرم و خوش و اخلاق نیکوی زریاب گردیده بود و تمایل داشت برای وی پست دائمی فراهم آورد ولی زریاب که عاشق فرهنگ ایران زمین بود بازگشت به وطن را بر اقامت در امریکا و استادی دانشگاه پر آوازه برکلی ترجیح داد و سعادت بهره وری از دانش و مصاحبت او نصیب شاگردان و دوستانش گردید. زریاب در دانشگاه همچون دائرة المعارف سیاری بود که هر کس در هر مطلبی می توانست به او مراجعه کند و آسوده از تحمل هیچ بار متنی آنچه می خواهد از او طلب نماید.<sup>۱۵</sup>

دانشگاه پرینستون واقع در حوالی نیویورک نیز از زریاب خوبی دعوت کرد که برای تدریس معارف اسلامی خصوص شرح تجرید خواجه نصیر طوسی به آن جا بیاید، زریاب پذیرفت و دانشگاه تهران هم موافقت نمود که وی به امریکا برود اما با این شرط که چون ایشان از دانشگاه پرینستون حقوق دریافت می کند دیگر به ایشان در این مدت حقوقی داده نشود.<sup>۱۶</sup>

استاد بهاء الدین خرمشاهی می نویسد: هر گیر و گره و گرفتار علمی را با او در میان می نهادیم به حل آن می کوشید؛ موقعی که سرگرم ترجمه و توضیحات تفسیری قرآن کریم بودم، بارها مشکلاتم را در فهم آیات یا عبارتی از قرآن با وی مطرح کردم و او همچون زمخشری و امام فخر رازی از دشواری ها گره گشایی می نمود، با تفاسیر قرآن کریم از پیش از طبری تا پس از علامه طباطبایی مانوس بود.

زریاب از بزرگان علم و ادب بود، باید دشواری علمی پیدا می کردی و کلمه ای، بیٹی، تعبیری، حدیثی و آیه ای مشکل از

موزون، خوش سیما و خوش خوی. هر کس از او پرسشی می نمود، پاسخ می داد و در جواب های او هیچ گونه فضل فروشی و تفاخر دیده نمی شد. گفته های پخته و منطقی او، چاشنی شیرینی از لطایف و بدایع داشت.

در هر جلسه ای به دلیل همه چیز دانی زریاب، بی اختیار همه نگاه های حاضران به سوی او می لغزید و حاضران آماده شنیدن سخنان خردمندانه اش بودند که هرگز به تلخی، تندى و عصبانیت آلوده نمی گردید. آرام، شمرده، سنجیده و با حلاوت سخن می گفت. اگر نظرش را بر نمی تابیدند، بی جهت و بیهوده بر آن اصرار نمی کرد اما دیری نمی گذشت که متوجه می شدند حق با دکتر زریاب بوده است. در دهه های آخر عمرش تنی چند از جوانان با استعداد از فیض راهنمایی او در پژوهش خصوص در تاریخ و ادبیات برخوردار بودند، با این که فرصت اندکی داشت با نوعی عطف و دلسوزی ذاتی نوشته های آنان را دقیق و با درنگ می خواند و شیوه های درست نگارش و پژوهش را به این علاقه مندان می آموخت.<sup>۱۹</sup>

صفا و صمیمیت ویژه ای داشت و ساده زیستی، قناعت، کرم و مروّتش زبانزد همه بود. عده ای به او نزدیک می شدند تا از وی به عنوان ابزاری برای موضع گیری های خود استفاده کنند اما وی با درایت و فراست این مقاصد را درمی یافت و با سکوت، نجابت و نصیحت و در مواقعی با کمک اشعار، حکایات و کنایات به بیداری و آگاهی مخاطب غافل خویش همت می گماشت. آن جا که دیگران به نیاز می آمدند، به استغنا می گذشت، آن جا که یاران به پرخاش می رسیدند در نهایت فروتنی و ادب آنها را به خضوع و اداری می کرد. وقتی تازه به دوران رسیده ای خودباخته و مغرور به دانش اندک خویش و دارای مدرک بدون درک خطاب به او، بنای جسارت و گستاخی می گذاشت، او با کوله باری از علم، معرفت و مهارت به تواضع روی می آورد.<sup>۲۰</sup>

اگرچه زریاب در علوم متعدد و ادبیات و عرفان آگاهی های گسترده و نظری صائب داشت و روح تحقیق و انتقاد را از سنین جوانی در خود شکوفا ساخته بود اما نسبت به معلومات خویش، کسب می نگاشت و بسیار دانی کم نویس بود. با جهانی از معلومات و احاطه به پنج زبان زنده دنیا یک دهم آنچه را بر آن مسلط بود، بر روی کاغذ نمی آورد.<sup>۲۱</sup>

زریاب اجازه نمی داد لحظه ای از عمرش عبث تلف گردد، اوقات زندگی را برای فراگرفتن، آموزش دادن، تحقیق و نگارش شکار کرده بود. با همت خستگی ناپذیر لحظه ای از آسوختن نیاسود و از یاد دادن به دیگران دریغ نورزید. در بذل دانش گشاده دست و در اخلاق گشاده رو بود.<sup>۲۲</sup>

جهان بینی او بر مسائل برهانی و استدلالی استوار بود و با آن که با عوالم ذوقی مأنوس بود و همین نکته محضرش را جذاب و دلپذیر می ساخت، به آنچه بر مبنای احساسات، عواطف صرف و بدون پشتوانه برهان بود روی خوش نشان نمی داد، تا مطالبی از طریق استدلال و استناد و مدارک محکم و موثق ثابت نمی گردید، به صحت اظهار آن یقین نمی کرد. معانی معنوی را با حکم سینایی و فلسفه را با ذوق و ظرائف ادبی ممزوج نموده بود.<sup>۲۳</sup>

اما همین انسانی که به مباحث استدلالی توجه ویژه ای داشت به اخلاق و شرع تقیدی خاص بروز می داد. او ارادتی برگرفته از معرفت و ژرف کاوی در خصوص خاندان عصمت و طهارت داشت و در پژوهش های پر مایه خود، نگارش سیره رسول اکرم (ص) و جانشینان راستین او را در اولویت قرار داد. درباره امام حسین (ع) می نویسد: «او چراغ هدایت، کشتی نجات و سالار شهیدان است. تربت پاکش شفا و زیر قبه اش استعجابت دعا و در زیارت قبر مطهرش ثواب بسیاری روزی می گردد. امام حسین (ع) مرگ شرافتمندانه را بر زندگی پست ترجیح داد. آنها کسی را شهید نمودند که طول شب را نماز می خواند، روزها را روزه می گرفت و در امر رهبری از اُمویان سزاوارتر بود و در دین و فضیلت بر همه آنان برتری داشت. شیعیان فداکاری بی نظیرش را در راه آرمان های اسلام شناخته اند و یادش را چنان گرامی می دارند که در هیچ آیین و مذهبی سابقه ندارد».<sup>۲۴</sup>

زریاب به احساسات خود اعتدال بخشیده و از افراط و تفریط در زندگی فردی و اجتماعی پرهیز می کرد. او به آسانی می توانست بر وهم، ملال و خشم خود غالب گردد و دغدغه و تشویش را از محدوده وقت، حال و ذهن خود خارج کند. از هر گونه جدال غیر احسن و مناقشات بی خاصیت و جبهه گیری های متکبرانانه پرهیز می کرد و این به دلیل ملکه شدن تواضعی عالمانه با وسعت نظری حکیمانه و خردمندانه در وجودش بود.

با این وصف زریاب ادعایی نداشت و بر این باور بود آدمی در هیچ مرتبه ای از زندگی از خطا و اشتباه مصون نمی باشد و

۱۹. محمود طلعی، چهره ها و یادها، ص ۲۸۴ و ۲۸۵.

۲۰. مجله تحقیقات اسلامی، ص ۱۰.

۲۱. یک قطره باران (جشن نامه دکتر زریاب خویی)، به اهتمام دکتر احمد تفضلی، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۲۲. فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، ص ۱۱ و ۱۲، ۲۱۵.

۲۳. ر. ک: کیهان اندیشه، شماره ۵۳ (دوره فترت در فلسفه اسلامی، گفتگو با محقق داماد، اعوانی، زریاب، دینانی و ...).

۲۴. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۱۵۸ (عباس زریاب خویی، امام حسین پیشوا و پشتیبان).

کسی که چندین سال شاگرد امام خمینی بود و در مسیر انقلاب اسلامی و تشیع قلم می زد بر اثر بهانه های واهی گروهی تنگ نظر تُنگ مایه به طور اجباری در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی بازنشسته گردید و چندی بعد هم مبلغی ناچیزی را که از این بابت به وی می دادند قطع کردند.<sup>۲۷</sup> البته چند سال بعد یکی از آثارش کتاب سال شناخته شد و جایزه ای هم به وی اختصاص یافت اما او از آزارهایی که حاسدان، جاهلان و مخالفان فراهم می آوردند هرگز خم به ابرو نمی آورد و مشقت هایی این گونه هرگز از مناعت طبع وی نکاست. مانند همیشه خوش می گفت و خورشید صفت می درخشید و از این ابرهای تیره و تار و اومه ای به دل راه نمی داد. حتی در واپسین لحظات زندگی در بستر بیماری شعر می خواند و لطیفه می گفت.<sup>۲۸</sup> سرانجام آن دریای دانش و اندیشه در روز جمعه ۱۴ بهمن ۱۳۷۳ ش به سرای باقی شتافت و پیکرش در ۱۶ بهمن ماه در قطعه ۸۸ بهشت زهراي تهران دفن گردید.<sup>۲۹</sup>

#### پژوهشگری پرمایه

دکتر عباس زریاب خویی، بسیاری از نسخه های نادر و ارزشمند اعم از فارسی و عربی را در رشته های گوناگون معقول و منقول کاویده بود و با مایه علمی و همتی والا که در شناسایی آثار خطی و اسناد علمی داشت به زودی در شناخت نسخه های ناب و کمیاب، نسخه های مجهول المؤلف و نیز کتاب های مخطوطی که آغاز و انجام آنها افتاده بود بصیرت داشت و طی تماسی چهل ساله با این منابع نفیس، در اواخر عمر به عنوان کارشناسی زبده و خیره و ژرف کاو برای شناخت و ارزیابی نسخه های خطی به کمیسیون ها، محافل بررسی آثار خطی و مجالس تقویم دعوت می گردید و در این برنامه ها نظریاتش را با اشتیاق می پذیرفتند و به کار می بستند.

پژوهش های پرمایه زریاب در زمینه های تاریخ، مسائل فلسفی و فقه اللغه از توانایی علمی و ادبی او حکایت دارد. یکی از ارزنده ترین اینها تصحیح و تحشیه متن عربی کتاب «الصید نه» ابوریحان بیرونی می باشد که به ثمر نشستن این تلاش، زریاب را

۲۵. مجله دانشکده ادبیات، سال ۲، شماره ۶ و ۷، ص ۱۰ (مقاله دکتر کیوانی).

۲۶. مجله سخن، شماره ۹۳، ص ۱۰ (مقاله دکتر محمدامین ریاحی).

۲۷. باستانی یاریزی، شاهنامه آخوش خوش است، ص ۷۱۶.

۲۸. مجله ایران شناسی (مقاله دکتر فضلوی).

۲۹. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۸۹۸، ۲۳ مهر ماه ۱۳۸۲.

امیدوار بود در پیشگاه عدل الهی وقتی سیئات و حسنات با هم سنجیده می شوند برخی لغزش ها، خیرات و خوبی های وی را دچار احباط نسازد لذا می کوشید ضمن غنی نمودن بنیان های فکری و علمی در جهت تزکیه و تهذیب نفس گام بردارد و خود را از آلودگی های دنیوی و امیال شهوانی برهاند و به ملامت تنگ نظران و کوتاه فکran بی اعتنا باشد و سعی می کرد ناگواری ها و نگرانی های خود را از اغیار پنهان دارد و در محافل و مجالس علی رغم تلخکامی هایی که با آنها مواجه بود با کلام و بیان و رفتار خویش تبسم را بر لبان حاضران بنشاند.

او در طول زندگی با آشفستگی های گوناگونی روبه رو بود که اگر چه هر کدام از آنها برایش دردسرافرین بود ولی تلاش کرد با پندآموزی از آنها عبور کند. در سنین صباوت با ناملایمات آشنایی یافت، موقعی که کودکی بیش نبود تندباد حوادث و زیدن گرفت و به دلیل درگیری های قومی و جنگ و عوارض ناشی از آن، محیط تربیتی او با قحطی، بیماری و دیگر گرفتاری ها روبه رو شد. در قم مشغول تحصیل بود که ناگهان پدرش در بستر آلم قرار گرفت و پس از چندی درگذشت، در همین ایام گروهی تجزیه طلبه مناطق شمال غربی ایران را تحت فشار سیاسی قرار دادند و او برای این که از این آشوب ها در امان بماند به تهران رفت.<sup>۲۵</sup>

در هنگام تدریس در خوی با یکی از دوستان خود که در قم به سر می برد و میرزا جعفر اشراق نام داشت، نامه نگاری می نمود. یک بار از او دعوت کرد به خوی بیاید و این شعر سعدی را طلیعه نوشتار خود قرار داد:

باز آی و حلقه بر در زندان شوق زن

کاحباب را دو دیده چو مسمار بر در است

قوای شوروی که آن روزها بر آذربایجان و نواحی شمال غربی ایران استیلا داشتند به این نامه دست یافتند، از مترجمی خواستند مضمون آن را برایشان بیان کند. او هم مطالب مندرج در این مکتوب را به گونه ای تحریفی ترجمه کرد و گفت این فرد از طرفداران حزب حلقه (به رهبری سید ضیاءالدین طباطبایی) بوده و از احباب (اصحاب بهایی) می باشد و از شیخ دعوت کرده که بیا انقلاب کنیم. زندان و مسمار و سایر علائم و اشارات هم به این امور مربوط می شود. او می گوید این جا (خوی) در دست دشمن است و اگر بیایی حزب حلقه تقویت می شود. احباب چشم براهند بیا تا مسمار در چشم روس ها بکوییم. این ترجمه تحریف گونه زریاب را از معلمی منفصل و از خوی تبعید و بدین گونه حقوق او هم قطع گردید.<sup>۲۶</sup>

زریاب از استادان دانشگاه تهران در رشته تاریخ بود. اما

در کارهای تحقیقی در طراز پژوهندگان بزرگ معاصر قرار داد. یادآور می‌شود از گذشته در استنساخ این اثر، آشفتگی و لغزش‌های فراوانی راه یافته بود و پیراستن این اشتباهات و اضطراب‌ها به جهت اشتغال بر لغات گوناگون یونانی، سریانی، عربی، فارسی، حواری و مانند آنها کاری مهم تلقی می‌گردید و بعد از قرن‌ها که از زمان تألیف این اثر می‌گذشت و غالب نسخه‌های موجود از اغلاط بسیار خالی نبود زریاب دامن همت بر کمر بست و با حوصله فوق العاده و احاطه‌ای کم نظیر که در شیوه‌های این گونه بررسی‌ها به دست آورده بود، موفق گردید با تبّعات فراوان، دقت‌های شخصی و استفاده از محصولات فکری دانشمندانی که در این زمینه کوشش به عمل آورده بودند کتاب را به صورتی منقّح، مقبول همراه با توضیحات، لغت‌نامه‌ها و فهرست‌های متعدد به نحوی جالب و جذاب عرضه نماید به نحوی که اهل فن را شگفت زده و متحیر ساخت. عاملی که چنین توفیق‌هایی را به این دانشمند داد جامعیت وی در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی، آشنایی با زبان‌ها و واژه‌های متعدد کهن و جدید بود که چون با حوصله و اشتیاق عالمانه‌اش توأم گردیده بود وی را به دانشنامه‌ای گویا و زنده تبدیل ساخت که مراجعان را از کثرت دقت و گسترش معلومات شگفت زده می‌ساخت.

کار ارزشمند دیگرش در خصوص تاریخ، تألیف کتابی است در سیره رسول اکرم (ص) که همچون دیگر آثارش اثری ممتاز، تحقیقی و مبتنی بر نقد و بررسی مأخذ و اطلاعات موجود بود. او قبل از این که کتاب مورد اشاره را تألیف کند در کتب مغازی، انساب و سیره و نیز آثار ابن اسحاق طبری، بلاذری، ابن اثیر و یعقوبی به تفحص و بررسی دقیق پرداخت. این کتابش برخلاف حجم کمی که داشت از دقت ویژه‌ای برخوردار بود. البته او کوشید سیره رسول اکرم (ص) را بدون تفسیرهای اضافی و تحلیل و عاری از هر گونه گرایش‌ها و احساسات بنگارد، او به این شیوه التزام جندی داشت و آن را مطمئن‌ترین راه در تاریخ‌نگاری و دستیابی به حقایق تاریخی تلقی می‌کرد. در کتاب کوچک دیگری که قبلاً در موضوع تاریخ ایران نگاشت همین سبک را رعایت کرد. زریاب در کتاب سیره رسول الله و نوشته‌های تاریخی دیگرش تلاش کرد در امر تاریخ‌نگاری در حد نقد و بررسی گفته‌های دیگران و نوشته‌های مورخان باقی بماند و به تفسیر و تحلیل اصل وقایع روی نیاورد و این شیوه‌ای آکادمیک و علمی است. آخرین کارش در موضوع تاریخ تحریر جدیدی از متن روضه‌الصفای میرخواند بود که چند روزی قبل از مرگش انتشار یافت. البته این کار را زریاب از سال‌های قبل آغاز

کرده بود، اما موقعی برای نشر آماده گردید که در گیر کارهای مترامی بود و خستگی و سالخورده‌گی و رنجوری به او اجازه نداد این اثر را مورد بازنگری جدید و اصلاحات لازم قرار بدهد. البته برای چنین کتابی تحریر جدیدی که مناسب فهم و درک خوانندگان معاصر باشد ضرورت داشت که زریاب آن را عملی ساخت. در واقع از آن جا که زریاب غالب اوقاتش را در کمیسیون‌های آموزشی، کارشناسی و مشورتی در محافل دانشگاهی و دیگر مراکز علمی طی می‌کرد فرصت انجام یک کار جدی و مفصل را کمتر به دست می‌آورد و اگر اشتغال او به تألیف و تحقیق به طور محض مصروف می‌گردید محصول تلاش او پرتیر و پربارتر می‌گردید، اما همین میزانی که از او در اختیار علاقه‌مندان می‌باشد حاوی دقت‌های علمی، نکته‌های تازه یاب و بررسی‌های عمیق و همه‌جانبه می‌باشد.<sup>۲۰</sup>

حتی این ویژگی را در سخنرانی‌های او می‌توان دید، از باب نمونه آخرین سخنرانی او درباره تاریخ‌نگاری در ایران که چند روز قبل از وفاتش در مؤسسه نشر و پژوهش فرزاد ایراد کرده است می‌تواند برای مورخان و محققان تاریخی حاوی مطالب آموزنده و راهگشا باشد. او در بیانات خود شیوه‌های تاریخ‌نگاران گذشته چون طبری، حمزه اصفهانی، بیهقی، بیرونی، جوینی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی را ارزیابی می‌کند. زریاب در تاریخ‌نگاری سبک ابوریحان بیرونی را به این دلیل مورد حمایت قرار می‌دهد که این دانشمند به تاریخ اقوام و ملل دیگر اهمیت می‌دهد و با وجود گرایش اسلامی و تعصب دینی در هنگام مطرح نمودن حقایق، این حالت را کنار می‌گذارد. زریاب بینش بیرونی را جهانی‌تر می‌داند، اما به باور وی کار معاصرش حمزه اصفهانی فوق العاده اهمیت دارد، زیرا روح انتقاد و خرده‌گیری داشته که متأسفانه شیوه‌اش تداوم پیدا نکرد. زریاب عقیده دارد اگر چه در ظاهر تاریخ بیهقی اختصاص به سلسله‌ای در قلمرو مشخص اختصاص یافته است و با وجود آن در دستگاه غزنویان می‌زیسته است اما انتقادهای گزنده‌ای از حاکمیت غزنوی دارد، اگر به تاریخ‌نگاری این مؤلف با دقت توجه شود مشخص می‌گردد نوشته‌هایش اختصاص به یک محل و دولت نمی‌باشد و آینه‌ای است برای تاریخ سراسر ایران زمین در قرن پنجم هجری و از این نظر بیهقی در میان مورخان کم نظیر است.<sup>۲۱</sup>

۲۰. حکایت همچنان باقی، ص ۲۹۲.

۲۱. متن این سخنرانی در فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره ۱۱ و ۱۲، درج شده است و دکتر زریاب موفق گردیده است باز هم به لحاظ عبارات و واژه‌ها تجدیدنظری در آنها به عمل بیاورد.

می گوید، به عربی موعظه می کند و به ترکی مقاله می نویسد،  
 و پروفیسور زکی ولیدی طوغان هم این ویژگی را داشت.<sup>۳۴</sup>  
 زریاب نه تنها به چندین زبان سخن می گفت، بلکه آثاری را به  
 زبان های اصلی می خواند و به زبان های دیگر مقاله می نوشت.  
 جالب این که او به زبان های متعدد در مقوله های گوناگون علمی  
 و ادبی مطالبی ارائه می داد و این مهارت پروفیسور اسپولر آلمانی  
 را در ذهن تداعی می کند که در مجمع همدان به زبان ترکی از عدم  
 حضور استاد ترک زبان عدنان ارزی خبر داد و به تفصیل عذر  
 خواست، سپس به زبان انگلیسی به معرفی سخنران های جلسه  
 پرداخت و توضیح استاد فرانسه را به فرانسه پاسخ گفت و زبان  
 خودش هم آلمانی بود و عربی، فارسی و سریانی را هم گویا در  
 آلمان درس می داد، زبان رومانیایی را هم خوب می دانست، زیرا  
 دایه اش یک زن رومانیایی بوده است.<sup>۳۵</sup>

دکتر زریاب مترجمی جامع الاطراف خصوص در معارف  
 اسلامی، فلسفه، تاریخ و ادبیات عرب به شمار می رفت و به  
 سبب تسلط به زبان های گوناگون به منابع دست اول دسترسی  
 داشت، ترجمه هایش ضمن روان بودن و برخوردار از دقت های  
 کافی می تواند سرمشق دیگر مترجمان حرفه ای و علمی  
 محسوب گردد.<sup>۳۶</sup>

آشنایی با زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمانی، شوق روی  
 آوردن به ترجمه متون فلسفی و تاریخی را در او برانگیخت.  
 اولین اثر مستقلی که نام وی را در بین خوانندگان کتاب های  
 جدی بلند آوازه کرد، ترجمه تاریخ فلسفه اثر ویل دورانت،  
 مورخ امریکایی از زبان انگلیسی به زبان فارسی بود. این ترجمه  
 چنان زیبا و دل پسند از کار آمد که متن اصل اثر در بین خوانندگان  
 هواداران جدی بسیاری یافت و در اندک زمانی به کرات چاپ  
 شد. لذات فلسفه کتاب دیگری از ویل دورانت بود که زریاب  
 آن را با همان نثر زیبا و پر جاذبه فارسی ترجمه کرد و در جلب  
 خاطر جوانان علاقه مند به فلسفه و مباحث جنبی تأثیری  
 شوق انگیز داشت. تعبیرها و واژه های مشکل فلسفی در این  
 ترجمه ها شکلی مأنوس و آشنا به ذهن خوانندگان فارسی زبان  
 پیدا کرد. هر دو کتاب سرشار از الفاظ و معانی غامض فلسفی  
 بود و نقل آنها به بیانی ساده احاطه به زبان و فلسفه را ضروری

از همان دوران جوانی که زریاب به عرصه تحقیق گام نهاد،  
 تابش ذوق و دانش وی عده ای از مشاهیر علم و ادب و حریفانش  
 را غرق شگفتی نمود. اولین مقالاتش شامل نقد کتاب های تازه  
 انتشار یافته آن ایام بود که استادان آن عصر با مشاهده این  
 نکته سنجی ها نسبت به وی ادای احترام و تکریم نمودند. ذبیح الله  
 صفا کتاب اسرار التوحید را تصحیح کرده بود، همین کار را دکتر  
 محمد معین بر متن جامع الحکمتین ناصر خسرو قبادیانی انجام  
 داده بود و نیز در آن ایام دکتر خانلری کتاب مخارج الحروف را با  
 تصحیح و اصلاحات لازم انتشار داد، زریاب بر این آثار  
 نقدهایی نگاشت که همه حاوی نکته سنجی های جالب بود و  
 اگر چه برای برخی، آموزنده و تحسین برانگیز محسوب  
 می گردید اما رئیس دانشکده حقوق دکتر موسی عمید از وی  
 رنجیده خاطر گشت، مدتی نیز با سعید نفیسی و مجتبی مینوی  
 درگیری لفظی پیدا کرد اما زریاب با همین مقاله های کوتاه اما  
 پر بار و چند نقد تحقیقی دیگر به زودی در زمره نامداران عرصه  
 تحقیق درآمد و در تمام محافل علمی و ادبی جایگاهی درخور و  
 احترام آمیز یافت.<sup>۳۲</sup> مقالاتش غالباً در مجلات سخن، یغما،  
 راهنمای کتاب و ... انتشار می یافت.<sup>۳۳</sup>

#### ترجمه های شیرین و خواندنی

زریاب گذشته از احاطه کامل به زبان های فارسی، ترکی و عربی  
 در زبان های آلمانی، فرانسوی و انگلیسی هم استاد بود. دکتر  
 باستانی پاریزی می گوید حدود چهار سال قبل کنگره ای  
 بین المللی از مستشرقان در تهران تشکیل شده بود، یک روز  
 افراد حاضر در آن جلسه به دیدار سد کرج رفتند، در کنار  
 دریاچه، من، ایرج افشار و دکتر زریاب ایستاده بودیم، در این  
 موقع پروفیسوری آلمانی که قبلاً استاد دکتر زریاب بود سر رسید  
 و با وی به زبان آلمانی سخن گفت، بعد دو نفر فرانسوی آمدند  
 که زریاب با آنان به زبان فرانسه گفتگو نمود، ژاپنی ها که به جمع  
 پیوستند زریاب به زبان انگلیسی توانست مطالب خود را به آنان  
 بفهماند، حسینعلی محفوظ استاد عراقی که سر رسید زریاب با  
 زبان فصیح عربی گره گشای کار شد:

برون از میانجی و از ترجمه  
 بدانست یک یک زبان همه

سپس تعدادی از دانشمندان روسی آمدند، در فکر بودیم چه  
 کسی می تواند با آنان تکلم نماید، آنها اهل جمهوری آذربایجان  
 بودند زریاب با صدای بلند به زبان ترکی با آنان گرم گرفت. از این  
 نمونه که کسی بتواند با چندین زبان آن هم با اهل فضل صحبت  
 کند بسیار کم داریم، پروفیسور گل پینارلی هم به فارسی شعر

۳۲. حکایت همچنان باقی، ص ۲۹۰.

۳۳. کتاب هفته، شماره ۷۹، ۱۶ شهریور ۱۳۸۱، ص ۲۳.

۳۴. نون جودوخ گو، ص ۴۹۹ و ۵۰۰.

۳۵. یک قطره باران، ص ۱۴۷؛ پیر سبزیپوشان، ص ۶۱؛ کلاه گوشه نویسن  
 روان، ص.

۳۶. نشر دانش، سال ۱۵، شماره ۱ و ۲، آذر و اسفند ۱۳۷۳.



می ساخت که مترجم هر دو توانایی را داشت. در این ترجمه ها و در ترجمه های دیگر زریاب کوشید برای نقل مفاهیم فلسفی زبانی ساده و دلپذیر و خالی از ابتذال بیابد و در تفهیم مطالب تازه از به کار بردن واژه های کاذب و تعبیرات مصنوعی و استعمال واژه های ابهام برانگیز اجتناب کند و این کار پر زحمتی بود که زریاب توفیق آن را به دست آورد.<sup>۳۷</sup>

یکی از ارزشمندترین کارهای زریاب در عرصه ترجمه که برای او زحمتی مضاعف فراهم ساخت ترجمه اثر مشهور تئودور نولدکه است که تحت عنوان *ایرانیان و عرب ها* از زبان آلمانی به فارسی برگردانیده شده و این در حالی بود که سال های متمادی از تعلیقات نولدکه بر ترجمه آلمانی متن تاریخ طبری در تاریخ ساسانیان استفاده می شد و حتی بخش درخور توجهی از پژوهش های گسترده آرتور کریستن سن در تاریخ ساسانیان بر همان تعلیقات مبتنی بود و تنها معدودی از محققان ایرانی قادر بودند از اینها بهره گیرند و حتی متن آلمانی نولدکه هم چندان در اختیار اهل پژوهش نبود. علاوه بر ترجمه متن و تعلیقات این اثر که در جای خود کاری حیرت زا و صعب به شمار می رفت، زریاب در متن ترجمه آلمانی از اصل عربی طبری، هم با دقت و تأمل نگریست و برخی از خطاهای نولدکه را که هنگام نقل عبارات طبری مرتکب گردیده بود اعلام کرد. این ترجمه منقح شده با استقبال شایان توجه روبه رو گردید و مورد تحسین و تقدیر اهل فن قرار گرفت. این ترجمه طی سال های طولانی وقت و توان دکتر زریاب را گرفت، اما وی با این کار طاقت فرسا گنجینه ای گرانبها از معلومات سودمند و تازه را به علاقه مندان و محققان تاریخ ایران باستان تقدیم کرد. ترجمه کتاب دریای جان اثر هلمسوت ریتز از دیگر کارهای با اهمیت و در عین حال پر دردسری بود که همت، شوق، مهارت و احاطه زریاب را طلب می کرد. این تلاش حاصل آخرین روزهای عمر این پژوهنده پرمایه است و او فرصت بازنگری در آن را به دست نیاورد. البته اگر فرصت بازبینی در این اثر را می یافت با افزودن تعلیقاتی دقیق زوایایی از زندگی و افکار شیخ عطار را که این اثر درباره اوست روشن ساخته بود.<sup>۳۸</sup>

زریاب در باب ترجمه های قرآنی مطالعات وسیعی به عمل آورد. وی نخستین ترجمه فارسی از قرآن را ترجمه آیات قرآنی می داند که به همراه تفسیر طبری در قرن چهارم هجری صورت گرفته است، به اعتقاد وی کهن ترین ترجمه قرآن به زبان لاتینی به تشویق پسرلو ونرابل (۱۰۹۲-۱۱۵۶ میلادی) انجام پذیرفته و اگرچه این ترجمه به رابرت چستری منسوب است اما مترجم واقعی اش پیرتولدوتی منسوب به «تولدو»، از نواحی اسپانیا،

می باشد. این ترجمه به دست کسی صورت گرفت که عربی را بهتر از لاتین می دانست، این اثر مدت پنج قرن در جهان مسیحیت مستقیم یا غیر مستقیم وسیله تبلیغ مسیحیان بر ضد دین اسلام بود. زریاب در ادامه این نوشتار تحقیقی ترجمه های ایتالیایی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، روسی، هلندی، اسپانیولی، سوئدی، دانمارکی، و عبری را مورد بررسی قرار می دهد و از چاپ های قرآن در اروپا گزارش های روشنی ارائه می نماید.<sup>۳۹</sup>

### زوایای ذوق

اگرچه زریاب شاعری معروف نبود، ولی اشعار معدودی که سروده استادانه و در نهایت استواری است. او یکی از صاحب نظران طراز اول در نقد شعر و نشر فارسی به شمار می رود. ذوق، تشخیص و قضاوت ادبی استثنایی داشت. نقدهایش بر بسیاری از دیوان های شعرای پارسی زبان گواه صادق بر این مدعا است. البته وی در نظم شعر از قریحه ای خوب برخوردار بود و در ترجمه هایش گاهی قطعات منظوم منقول در متن فارسی را به نظم فارسی درمی آورد و در مواردی به شیوه طنز، قصاید و مثنویاتی می ساخت. اشعار جدیدی هم به صورت قصیده یا رباعی می سرود که خالی از لطف نبود اما آنچه را بر حسب تفریح و تفنن به نظم درمی آورد در شمار شعر نمی شمرد و جز برای برخی دوستان نزدیک نمی خواند. حافظه قوی در مناسب خوانی و روایت شعر داشت، به اشعار حافظ و سعدی اشتیاقی وافر داشت، شاهنامه را با دقت و تأمل خوانده و در باب ریزه کاری های آن نکته های جالبی استنباط کرده بود، یک بار هم شوخی نقدگونه بر یکی از قصاید مشکل خاقانی نگاشت. هنگامی که مقالات پی درپی دکستر خانلری تحت عنوان نکته هایی در باب دیوان حافظ در مجله یغما انتشار می یافت، آنها را با دقت می خواند و پی گیر بود و در صحت و سقم اقوال نویسنده با دوستان بحث می کرد. دوستانش که غالباً روزها و گاه شب ها با او هم نفس بودند، زریاب را به سبب لطف محضرش دوست می داشتند، چقدر لطایف طنزآمیز بر سر زبان داشت و با چه ذوق و صفایی اشعاری از ابونواس، ابوالعلا معری و منوچهری می خواند و با چه شوقی از سعدی، حافظ و خیام یاد می کرد. با خواندن ابیاتی

۳۷. این دو ترجمه بارها از سوی انتشارات علمی و فرهنگی چاپ شده است و زریاب موفق گردیده است در چاپ های اخیر اصلاحاتی در آنها به عمل آورد.

۳۸. مقدمه کتاب *دنیای جان* و نیز *حکایت همچنان باقی*، ص ۲۹۶.

۳۹. ر. ک: عباس زریاب خوبی، ترجمه های قرآن، *فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر*، همان.

فارسی است که نمونه‌هایی جالب از عمق فکر، دقت نظر و ذوق ادبی او می‌باشد؛ در این آثار گزیده‌گویی، محتوای عالی و ایجاز به خوبی دیده می‌شود.

#### نگاشته‌های ارزشمند

##### - کتاب‌ها

۱. اطلس تاریخی ایران، با همکاری سید حسین نصر و احمد مستوفی، تهران، ۱۳۵۰.
۲. تاریخ ساسانیان، دانشگاه آزاد، تهران، ۱۳۵۴ ش.
۳. تاریخ ایرانیان و عرب‌ها، تئودور نولدکه، ترجمه عباس زریاب خویی، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۸.
۴. سیره رسول الله، بخش اول، از آغاز هجرت، تهران، سروش ۱۳۷۰.
۵. الصیدنه فی الطب، ابوریحان بیرونی، تصحیح و تحشیه و مقدمه از زریاب خویی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.
۶. روضة الصفا، محمد بن خاوندشاه بلخی، تهذیب و تلخیص دکتر زریاب، دوره دو جلدی تهران علمی، ۱۳۷۳.
۷. آینه جام، شرح مشکلات دیوان حافظ، علمی، تهران، ۱۳۶۸.
۸. اطلس تاریخ ایران، زیر نظر سازمان نقشه برداری ایران و با همکاری محمدپور کمال، زیر طبع.
۹. ظهور تاریخ بنیادی، فردریش ماینکه، ترجمه زریاب، زیر چاپ.
۱۰. تاریخ ایران از گذشته تا معاصر (این کتاب را دکتر زرین کوب معرفی کرده است).
۱۱. تاریخ فلسفه، ویل دورانت، ترجمه زریاب خویی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۳۵.
۱۲. لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه زریاب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۴۴.
۱۳. دریای جان، هلموت ریتسر، ترجمه زریاب و با همکاری مهرآفاق ایبوردی، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، ۱۳۷۴.
۱۴. بزم آورد (شامل شصت مقاله تاریخی، فرهنگی و فلسفی)، علمی، تهران، ۱۳۶۸.
۱۵. گزارشی دربارهٔ دانشجویان تیمور برگرفته از تاریخ کبیر جعفری، تألیف ابن محمد الحسینی که پایان‌نامه دکترای ایشان به راهنمایی شرق‌شناسانی چون «شل» و «رویمر» می‌باشد.

طولانی از خاقانی، قاتنی، سروش اصفهانی، ایرج میرزا و ملک الشعرای بهار، دوستان را از وسعت و قدرت حافظه خویش به شگفتی وامی‌داشت. دکتر باستانی‌پاریزی می‌گوید خیلی حافظه می‌خواهد که زریاب یک بار نصف دیوان قاتنی را برایتان از حفظ بخواند، نیمی از غزلیات حافظ را شرح بنویسد و ثلث دیوان ترکی فضولی بغدادی را بازگو نماید. دکتر زریاب هنگام ترجمه تاریخ فلسفه ویل دورانت شعر لوکرتیوس (Lucretius) شاعر معروف رومی قرن اول قبل از میلاد را با لطافتی خاص به شعر فارسی و در کمال امانت ترجمه کرده شعری که پروفیسور شوت ول آن را از شگفت‌انگیزترین بخش‌های ادبیات قدیم می‌داند، اینک آن سروده:

هیچ چیز ثابت و بر جای نیست

جمله در تغییر و سیر سرمدی است

ذره‌ها پیوسته شد با ذره‌ها

تا پدید آمد همه ارض و سما

تا که ما آن جمله را بشناختیم

بهر هر یک اسم و معنا ساختیم

بار دیگر این ذوات آشنا

غرق می‌گردند در گرداب‌ها

ذره‌ها از یکدیگر بگسسته شد

از بر شکل دگر پیوسته شد

آب دریاهای ژرف بی‌کران

در بخار مه شوند از ما نهان

جمله دریاهای همه صحرا شوند

سنگ‌ها و ریگ‌ها پیدا شوند

این بیابان‌ها و صحراها همه

باز مبدل گشته بر دریا همه

بعد از آن با موج‌هایی داس‌وار

سازد از هر سو خلیجی آشکار

هیچ چیز ثابت و بر جای نیست

جمله در تغییر و سیر سرمدی است<sup>۴۰</sup>

کتاب آینه جام حاصل تأملات و بررسی‌های او در دیوان حافظ است که از لحاظ نقد ادبی اهمیت فراوانی دارد و نکته‌سنجی‌های بدیع و لطیف در آن دیده می‌شود.

زریاب ادبی‌گرانی‌های به‌شمار می‌رود که نثری خوش، روان و استوار دارد و با وجود سادگی نغز و با حلاوت به نظر می‌رسد. کتاب‌ها، ترجمه‌ها و مقالاتش علاوه بر ارزش علمی و فکری حاوی ارزش ادبی هم می‌باشد. مجموعه‌ای از مقالاتش که تحت عنوان بزم آورد انتشار یافته خود دایره‌المعارف کوچک

مقالات

۱۸. فخر رازی و مسأله وجود، مجله معارف، سال چهارم، شماره ۴، ۱۳۶۶.
۱۹. شیوه تاریخ نگاری، دوماهنامه حوزه، سال چهارم، شماره ۴ و ۶، ۱۳۶۴.
۲۰. نام یکی از هفت خاندان بزرگ دوره پارسی و ساسانی، مجله تاریخ، مجلد اول، شماره ۲، بهار ۱۳۵۶.
۲۱. بداء در کلام اسلامی و ملاحظاتی تازه در حل آن، مجله تحقیقات اسلامی، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۶۶.
۲۲. سازمان اداری ایران در زمان حکومت ایلخانان، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۶۶.
۲۳. پذیرش نویسنده در جامعه بزرگ تشویق و حمایت است، ویژه نامه چهارمین نمایشگاه کتاب، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۷۰.
- \* مقالاتی که در کتاب های مستقل، مجموعه ها و مانند آنها چاپ شده است:
۱. مقدمه ای بر دیوان آقاسی، دیوان آقاسی، تبریز، ۱۳۷۱ ش.
۲. دبیرستان، نامه شهیدی (جشن نامه دکتر سید جعفر شهیدی)، طرح نو، تهران، ۱۳۷۴.
۳. یادگار زریاب، سعی مشکور (یادنامه دکتر محمدجواد مشکور)، گردآورنده سعید میر محمدصادق، تهران، ۱۳۷۴.
۴. احوال از نظر شیخ مفید، مقالات فارسی کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۵. آرمانشهر، جبهه ای نو در فرهنگ شناسی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
۶. سخنی درباره منشآت قائم مقام، نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش ایرج افشار و داود اصفهانیان، تهران، جلد ۳، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۶۶.
۷. مرد دوهزار و پانصد ساله، کتاب سخن، به اهتمام صفدر تقی زاده، علمی، تهران، ۱۳۷۱.
۸. در سوگ امید، باغ بی برگی (یادنامه مهدی اخوان ثالث م- امید)، به کوشش مرتضی کاخی، تهران، ۱۳۷۰.
۹. نگاهی تازه به مقدمه شاهنامه، سرگذشت فردوسی، به کوشش ناصر حریری، تهران، ۱۳۷۳.
۱۰. نکاتی درباره مقنع، هفتاد مقاله (ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی)، به اهتمام یحیی مهدوی و ایرج افشار، ج ۱، اساطیر، تهران، ۱۳۶۹.
۱۱. لعبت بازی... کتاب سخن، به کوشش صفدر تقی زاده، علمی، تهران، ۱۳۶۸.

- مقالات دکتر زریاب آن قدر متعدد است که فهرست نمودن تمامی آنها در این نوشتار میسر نمی باشد و به نمونه هایی اشاره می شود:
- \* مقالاتی که در مجلات چاپ شده است (از هر نشریه ای یک مقاله معرفی شده است):
۱. پرچمدار فرهنگ ملی ایران در گذشت، دنیای سخن، شماره ۵۷، آبان ۱۳۷۲.
۲. پاسخ نظرخواهی درباره فرهنگ گذشته و نیازهای امروز، نشریه هستی، بهار ۱۳۷۲.
۳. تاریخ نگاری در ایران، فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره مسلسل ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۳.
۴. زمینه های تاریخی و اجتماعی بعثت، روزنامه هم شهری، سال اول، شماره ۳۱، دی ۱۳۷۱.
۵. درباره تاریخ و تحقیقات، تلاش، شماره ۵، شهریور ۱۳۵۴.
۶. درباره مجتبی مینوی، مجله سخن، سال ۲۵ (۱۳۵۵ ش).
۷. مجتبی مینوی، راهنمای کتاب، سال ۲۰، فروردین- اردیبهشت ۱۳۵۶، شماره اول و دوم.
۸. کتابخانه مجلس شورای ملی، نشریه دانش، سال اول، شماره ۱، فروردین ۱۳۲۸.
۹. یک مناظره درباره احکام نجومی، ماهنامه مهر، سال هشتم، شهریور ۱۳۳۱، شماره ۶.
۱۰. صاحب بن عباد در نظر یک مخالف، مجله یغما، سال اول، شماره ۳، خرداد ۱۳۲۷.
۱۱. تاریخ نگاری بیهقی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۷، زمستان ۱۳۵۰.
۱۲. چند پاسخ درباره تاریخ ایران، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۶، شهریور ۱۳۵۰.
۱۳. اسرار التوحید فی مقامات ابی سعید، فرهنگ ایران زمین، سال اول (۱۳۳۲ ش).
۱۴. سوگندنامه جهان پهلوان، مجله آینده، سال نهم، شماره ۸ و ۹، آبان و آذر ۱۳۶۲.
۱۵. نظریاتی درباره وضع لغات علمی و فرهنگی، نشر دانش، سال ۵ (۱۳۶۳ و ۱۳۶۴).
۱۶. پیام شاهنامه دفاع از شرف ملی است، آدینه، شماره ۵، دی ماه ۱۳۶۹.
۱۷. فتوحات همایون نوشته سیاقی نظام با مقدمه زریاب خویی، مجله بررسی های تاریخی، سال هشتم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۵۲.

- قدر، مابعدالطبیعه، مبادی یقینی برهان، معتزله، مغول، مکه، ملاصدرا، موسی، نظام، نفس زکیه، وحدت وجود و ...
- \* مقالات مندرج در ایرائیکا
- \* مقالاتی که از ایشان به زبان های دیگر در نشریات داخلی و خارجی چاپ شده است.
- ضمناً درباره دکتر عباس زریاب خویی این آثار چاپ شده است:
۱. یک قطره باران (جشن نامه دکتر عباس زریاب خویی)، تهران، نشر نو، این اثر به کوشش دکتر احمد تفضلی سه سال قبل از رحلت زریاب چاپ شده است.
  ۲. ویژه نامه مجله تحقیقات اسلامی، سال دهم، شماره ۱ و ۲، در ۵۷۰ ص، ۱۳۷۴.
  ۳. مرگی و صد هزار مصیبت، مقاله دکتر مجدالدین کیوانی درباره زریاب خویی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال دوم، شماره ۶ و ۷، دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۷۳ و بهار ۱۳۷۴.
- مصاحبه ها و گفتگوهای با زریاب خویی
۱. چند پاسخ درباره تاریخ ایران، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۵، شهریور ۱۳۵۰.
  ۲. مصاحبه با دکتر زریاب خویی، آدینه، شماره ۵، بهمن ۱۳۶۴.
  ۳. گفتگو با استاد تاریخ که به اهتمام عاصمی صورت گرفته و در مجله کاوه، شماره ۵، سال ۱۳۵۴ چاپ شده است.
  ۴. گفتگوی زریاب با دکتر محمدتقی دانش پژوه، مجله راهنمای کتاب، سال ۲۱ (۱۳۵۷).
  ۵. مصاحبه با مجله دریچه گفتگو، شماره چهارم، آذر ۱۳۷۰.
  ۶. گفتگو با مجله دنیای سخن، مجله دنیای سخن، شماره ۴۶، دی ۱۳۷۰.
  ۷. دوره فترت در تاریخ فلسفه اسلامی (گفتگوهای با زریاب خویی و دیگران)، دو ماهنامه کیهان اندیشه، شماره ۵۳، فروردین-اردیبهشت ۱۳۷۱.
۱۲. سه نکته درباره رشیدالدین فضل الله همدانی، مجموعه خطابه های تحقیقی، تهران، ۱۳۵۰.
  ۱۳. نظریاتی درباره وضع لغات علمی، زبان، زبان علم، تهران، ۱۳۶۵.
  ۱۴. دکتر محمد معین، مجموعه مقالات دکتر محمد معین، جلد اول، تهران، ۱۳۶۴.
  ۱۵. فردوسی و طبری، ارمغانی برای زرین کوب، تهران، اداره کل فرهنگ و هنر لرستان، ۱۳۵۵.
  ۱۶. مورخان ایران در دوره اسلامی، تاریخ تحول علوم در ایران، تهران، ۱۳۵۰.
  ۱۷. نامه های موجود از امیرکبیر، امیرکبیر و دارالفنون، تهران، ۱۳۵۴.
  ۱۸. درباره کتاب، کتاب و کتابخانه، تهران، ۱۳۵۵.
  ۱۹. جامعیت مینوی، پانزده گفتار درباره مجتبی مینوی، تهران، ۱۳۵۶.
  ۲۰. اهمیت دوره ساسانیان در تاریخ ایران و ... مجموعه سخنرانی ها، تهران، بی تا.
- \* مقالات مندرج در دانشنامه ها و دائرة المعارف ها
۱. دائرة المعارف تشیع. برخی مقالات: ابراهیم بن عبدالله المحض، ابوالاسود دوئلی، ابوذر غفاری، ابوطالب، امام علی (ع)، امام حسن مجتبی (ع)، امام محمدباقر (ع)، امام صادق (ع)، امام رضا (ع)، امام جواد (ع)، امام هادی (ع)، امام حسن عسکری (ع)، امام زمان (عج).
  ۲. دانشنامه جهان اسلام. باران از نظر دانشمندان اسلام، بالکان، بایزید بسطامی، بداء، برهان، بکیر بن ماهان، بسفر (تنگه)، بیانیه، حضانت و ... که برخی از آنها از انگلیسی به فارسی ترجمه شده اند.
  ۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی. آذربایجان، ابراهیم بن سیار نظام، ابلیس در قرآن، ابن تیمیه، ابن حجر عسقلانی، ابن راوندی، (عقاید و آثار)، ابن مقفع، ابوسعید گورگانی و ...
  ۴. دائرة المعارف فارسی (جلد دوم). شکاکیت، شیخیه، شیعه، صدور کثرت از وحدت، عاقل و معقول، عالم، عرب، فارابی، فخر رازی، فضیلت، فلسفه قرآن، قرامطه، قضا و